

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۹/۲۱

موضوع: جایگاه بی بدیل مناظره و پاسخگوئی به شبهات مخالفین!

(سخنرانی در مدرسه علمیه امام حسین اصفهان)

فهرست موضوعات این سخنرانی:

جایگاه بی بدیل مناظره و پاسخگوئی به شبهات مخالفین

مثلثی مقدس، در نشر معارف اهل بیت

استقبال عجیب جوانان آمریکائی از مکتب تشیع!

اثبات امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از منابع اهل سنت در پنج دقیقه!

دستور عجیب امام حسن عسکری به شاگردان خویش!

اضلاع دیگر مثلث مقدس!

قهرمان علم کلام اهل سنت!

قهرمان پاسخگوئی به شبهات اهل سنت!

بهترین روش در ارائه منابع اهل سنت به مخالفین

روایتی که مخالفین مکتب تشیع را در چاله ای عمیق می اندازد!

برخی ادعاهای ضد شیعی آقای عابدینی، استاد حوزه علمیه!!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله. الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و خوشحالیم که در جمع شما عزیزان و بزرگواران هستیم.

همانطور که عزیزمان هم اشاره کردند، یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که در اسلام مورد توجه بوده و بلکه در گذشته توسط انبیاء الهی (علیهم السلام) مطرح شده است، قضیه مناظره و گفتگوی علمی و رد شبهات معاندین و مخالفین بوده است.

قرآن کریم مملو از مناظراتی است که توسط انبیاء الهی (علیهم السلام) صورت گرفته است. رسول گرامی اسلام با طوایف مختلف مناظراتی داشتند.

جایگاه بی بدیل مناظره و پاسخگوئی به شبهات مخالفین

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بعد از رحلت نبی گرامی اسلام، اولین کسی است که دریچه مناظره را با مخالفین ولایت گشود. همچنین حضرت صدیقه طاهره و ائمه اطهار (علیهم السلام) مناظرات مختلفی داشتند.

شاید اگر ادعا کنیم در معارف شیعی جایگاه مناظره در رده اول و رتبه اول قرار گرفته است، حرف مبالغه آمیزی نیست. به طوری که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ»

دانشمندان پیروان ما همانند مزددارانی هستند.

حضرت نمی‌فرماید علمای شیعه ما، بالای منبر مسئله می‌گویند، نماز جماعت می‌خوانند یا درس و بحث فقهی و اصولی دارند.

«مُرَابِطُ» به معنای سربازانی است که در سرحدات و مرز قرار دارند و مراقب هستند تا دشمن، داخل ارض کشور نشود و سلاح‌هایشان هم بیست و چهار ساعته آماده شلیک است.

در دنیا تنها مسلحی که احتیاج به اجازه مافوق ندارد، سربازان سرحدات هستند. آن‌ها به مجرد اینکه احساس خطر کردند، وظیفه شلیک کردن و نابود کردن دشمن را دارند.

لذا امام صادق می‌فرماید: علمای شیعه ما مرزبان هستند. به تعبیر مقام معظم رهبری علمای شیعه آتش به اختیار هستند. حضرت فرمود:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثُّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيئُهُ يَمْتَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ

عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ»

که تمام وقت در برابر ابلیس و لشگرهایش صف کشیده و از یورش آن‌ها به افرادی از شیعیان ما که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ابلیس و پیروان ناصبی او، بر آن‌ها پیشگیری می‌کنند.

«أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ الثُّرُكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ»

آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند هزار هزار بار بالاتر از سپاه‌یانی است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر پیکار می‌کنند.

به فرموده حضرت یک عالم مجاهد در حوزه پاسخگویی به شبهات از یک میلیون مجاهدی که در میدان جنگ مشغول انجام وظیفه است، افضل است؛ نه در یک سطح.

به بیان دیگر یک مجاهد در حوزه دفاع از کیان تشیع و فعال در حوزه پاسخگویی به شبهات و مناظره، از یک میلیون مجاهد در میدان نبرد افضل است.

«لَأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَذْيَانِ مُجِيبًا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ»

زیرا دانشمندان نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دوستان ما هستند در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۷، فصل فی ذکر طرف مما أمر الله فی کتابه من الحجاج و الجدال بالتی هی أحسن و فضل أهله

این روایت نشانگر این است که ائمه اطهار (علیهم السلام) برای این قضایا اهتمام خاصی قائل بودند. در روایت دیگر وارد شده است:

«و قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ، وَ الدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ، وَ الْمُتَقِدِّينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ، وَ مِنْ فِخَاخِ التَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا اِزْتَدَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ»

امام هادی (ع) فرمود: اگر پس از غیبت قائم (ع) شما از علمائی که دعوت به سوی او کنند و راهنمایی به حضرت او نمایند و با حجت‌های الهی و از دین او دفاع کنند و ضعیفان از بندگان خدا را از دام‌های شیطان و پیروان شیطان نجات بخشند باقی نمی‌مانند البته هیچکس از مؤمنین پابرجا نبودند، مگر آنکه از دین خدا برمی‌گشت.

«و لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمْسِكُونَ أَزْمَةَ قُلُوبِ ضَعَفَاءِ الشُّبُعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سَكَانَهَا أَوْلَيْكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

ولی این علماء بودند که دل‌های ضعیفای شیعه را نگه داشتند همچنانکه کشتیان سکان و فرمان کشتی را نگهداری می‌کند آن فرمانی که کشتی امواج آب را با آن می‌شکافد و پیش می‌رود آن علماء در پیشگاه خدای عزوجل برتر از همه باشد.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۱۸

به فرموده حضرت کسی که مانع می‌شود جوانان ما از اسلام و تشیع برنگردند و ثابت قدم باشند، وجود روحانیونی است که در حوزه پاسخگویی به شبهات کار می‌کنند. من بارها گفتم ما در وظیفه رسالاتی که داریم؛

(الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا)

(پیامبران پیشین) کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند و از هیچکس جز خدا واهمه نداشتند، و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش دهنده اعمال آنها) است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۹

مثلثی مقدس، در نشر معارف اهلبیت

ما باید در نشر معارف اهلبیت سه ویژگی را رعایت کنیم. ما باید یک مثلث مقدسی ترسیم کنیم که با این مثلث مقدس (بِیْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ) انجام شود. هرکدام از این ضلعها نباشد، مثلث ما به هم می‌ریزد.

مثلث اول «تبیین» است؛ ما باید معارف دینی و اعتقادات دینی را بیان کنیم. امروزه فضای مجازی به تعبیر مقام معظم رهبری به قتلگاه جوانان تبدیل شده است.

ما باید ببینیم شیعه امروز در این دنیای پر غوغا چه دارد و در این بازار پر آشوب فرهنگی چه کالای نورانی برای ارائه دارد. به تعبیر امام هشتم؛

«يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج ۱،

ص ۳۰۷، ح ۶۹

حال شما ایران را زیاد مورد ملاحظه قرار ندهید. اگر از ایران بیرون بروید و به کشورهای اروپایی و آمریکایی سفر کنید، این قضیه را درک خواهید کرد.

استقبال عجیب جوانان آمریکائی از مکتب تشیع!

بنده سال ۱۳۹۰ حدود ۴۰ روز آمریکا بودم. ما در بسیاری از ایالات مختلف جلسات متعددی با شیعه و اهل سنت و وهابیت و مسیحی‌ها داشتیم.

جوانان مسیحی - مخصوصاً - از رفتن به کلیسا خسته شدند. آن‌ها از شنیدن سخنان ضد و نقیض روحانیت مسیح خسته شدند و از حرف‌های تکراری آنها به ستوه آمدند.

جوانان مسیحی به دنبال این هستند که خلأ معنوی خودشان را با معارفی پر کنند که مطابق با فطرت بشر است. آن‌ها این معارف را غیر از مکتب اهل بیت در هیچ جای دیگر نمی‌توانند پر کنند.

ما در واشنگتن در مرکز اسلامی که عزیزمان جناب حاج آقای «بحرینی» از طرف مقام معظم رهبری چندین سال است در آنجاست، بازدید کردیم؛ جهاد واقعی را این افراد انجام می‌دهند. بنده وقتی کارهای آنها را دیدم، از خودم خجالت کشیدم.

ایشان مرا به اتاقی سی متری برد که سراسر کارتن بود. او کارتن‌ها را باز کرد و گفت: داخل این کارتن‌ها همه نامه است.

این نامه‌ها از پنجاه و یک ایالت آمریکا مرتباً برای ما ارسال می‌شود و درخواست می‌کنند که جزوه یا کاستی در رابطه با معارف شیعه برای ما بفرستید.

ما وقتی برای بعضی از مناطق تعدادی جزوه می‌فرستیم، می‌بینیم که به دنبال آن سیل نامه‌های تشکر برای ما می‌آید. افرادی که با یک جزوه به مرکز شیعه کشیده می‌شوند، مرتب به مرکز ما می‌آیند و از ما تشکر می‌کنند و می‌روند.

یکی از دوستان ما در فرانسه است. ایشان می‌گفت: من هفت بار دین خود را عوض کردم. ابتدا مسیحی بودم، به کاتولیک پیوستم، بعد از آن به پروتستان پیوستم، یهودی شدم، مسلمان شدم، وهابی شدم، سنی شدم و در نهایت شیعه شدم.

بعد از عوض کردن هفت دین و مذهب حدود شش سال است که در مذهب شیعه متوقف شدم. احساس می‌کنم مکتبی که می‌تواند ندای فطری مرا پاسخ بدهد، سخنان اهل بیت است.

دلیل آن این است که سخنان اهل بیت (علیهم السلام) از وحی سرچشمه گرفته است و اهل بیت از طریق وحی با خالق من مرتبط هستند. هیچکسی برای من دارو و نسخه‌ای مثل آفریننده من نمی‌تواند بدهد.

کسی که ماشینی ساخته است، بهتر از هرکسی می‌داند نیازها و مشکلات این ماشین چیست. امروز دنیا تشنه معارف اهل بیت (علیهم السلام) است. امام هشتم می‌فرماید:

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

بنابراین اگر ما بخواهیم در این زمینه کوتاهی نکنیم، فردای قیامت کارمان با کرام الکاتبین است. در روایت داریم:

«فان الله تعالى يغفر للجاهل سبعين ذنبا قبل ان يغفر للعالم ذنبا واحدا»

خداوند تبارک و تعالی هفتاد گناه جاهل را می‌بخشد، اما یک گناه عالم را نمی‌بخشد.

خاتمه المستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح:

مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج 5، ص 247، باب [305]

همچنان که در روایت داریم یکی از عذاب جهنمیان، استشمام بوی گندیده عالم بلاعمل است. جهنمیان به مالک جهنم شکایت می‌کنند که عذاب‌هایمان برای ما بس است، دیگر بوی گندیده عالم بی عمل از آتش برایمان بیشتر عذاب آور شده است.

بنابراین ما در این زمینه نباید کوتاه بیاییم. امروزه همانند زمان سابق نیست که ما جلسه‌ای و حسینیه‌ای و مسجدی و دورهمی داشته باشیم. امروز فضای مجازی با وجود اینکه تهدید است، ما می‌توانیم آن را به راحتی به یک فرصت تبدیل کنیم.

شما الآن که در گوشه اصفهان نشسته‌اید، با وجود فضای مجازی می‌توانید با تمام دنیا حرف بزنید. شما می‌توانید سایت یا وبلاگ یا گروهی در فضای مجازی طراحی کنید یا در گروه‌هایی که مخالفین دارند وارد شوید و مطالب نادرست آنها را پاسخ بدهید.

در هلند وقتی نماینده کثیف و پلید مجلس، فیلمی که علیه اسلام و قرآن بود را ساخت، دولت هلند پخش آن فیلم را منع کرد.

او این فیلم را به صورت غیر رسمی در فضای مجازی منتشر کرد و در عرض بیست و چهار ساعت هفت میلیون نفر از این فیلم دیدن کردند. شما کجا می‌توانید هفت میلیون نفر مخاطب پیدا کنید؟! چند روز پیش دیدم یکی از علمای وهابی در «تویتر»، بیست و یک میلیون دنبال کننده دارد!!

اثبات امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از منابع اهل سنت در پنج دقیقه!

به نظر بنده امروز فضای مجازی فرصت طلایی برای جوانان شیعه است. شبکه‌های ماهواره‌ای وهابیت بهترین فرصت برای ماست. بارها اتفاق افتاده است بعضی از شاگردان و دوستان ما در «شبکه وصال» و «شبکه کلمه» و دیگر شبکه‌های وهابی وارد می‌شوند و در پنج دقیقه تمام دو ساعت حرف‌های کارشناسان وهابی را زیر سؤال می‌برند.

کارشناسان وهابی که جوابی برای گفتن ندارد، شروع به فحش دادن می‌کنند و ما هم همین را می‌خواهیم. دنیا باید بداند که این افراد منطقی ندارند، زیرا اگر کسی منطقی داشته باشد که فحش نمی‌دهد یا تلفن را قطع نمی‌کند.

ما در یکی از سال‌ها در «شبکه جهانی ولایت» برنامه‌ای برای خردسالان و کودکان داشتیم. ما از ابتدای ماه مبارک رمضان طرحی تحت عنوان «غنچه‌های ولایت» در رابطه با "اثبات امامت الهی امیرالمؤمنین و خلافت بلافضل او از کتب اهل سنت در پنج دقیقه" را آغاز کردیم.

مشاهده کردیم که شب دوازدهم و سیزدهم ماه مبارک رمضان تعداد زیادی از کودکان زیر ده سال تماس می‌گرفتند و در پنج دقیقه سه آیه:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

:۹

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

:و

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

سوره مائده (5): آیه ۳

و سه حدیث:

«أنت ولی کل مؤمن بعدی ومؤمنة»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۴۳، ح ۶۷۵۲

:و

« إنه لا ينبغي أن أذهب إلا وأنت خليفتي »

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۴۳، ح ۶۷۵۲

:و

«أنت امام كل مؤمن ومؤمنة، وولى كل مؤمن ومؤمنة بعدى»

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی - مؤسسة سید الشهداء (ع)، چاپ:

الثانية، سال چاپ: ربیع الثانی ۱۴۱۴، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی، ص ۶۱، ح ۳۱

را بیان می‌کردند. البته بسیاری از دوستان با این طرح مخالف بودند، زیرا می‌گفتند که شما هرشب این مطالب را تکرار می‌کنید و این با موقعیت شما سازگار نیست. من گفتم خداوند عالم در سوره مبارکه الرحمن نزدیک به ۳۷ مرتبه آیه شریفه:

(فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید شما ای گروه انس و جن؟

سوره الرحمن (۵۵): آیه ۱۳

را تکرار فرموده است. بسیاری از دوستان به من اعتراض کردند، اما من گفتم که من به حرف هیچکسی گوش نمی‌دهم. خلاصه ما یک دندگی کردیم و نتیجه بخش هم بود.

یکی از دخترخانم‌ها از یزد به نام «فاطمه» یازده ساله یک شب به «شبکه کلمه» زنگ زد و آنها برنامه‌ای داشتند.

او به «هاشمی» مجری این شبکه گفت: به من اجازه بدهید که در پنج دقیقه امامت الهی امیرالمؤمنین و خلافت بلافضل علی بن ابی طالب را از کتب شما از تفسیر و حدیث با سند صحیح اثبات کنم.

او آنچنان با شهادت این مطالب را گفت که مجری «شبکه کلمه» رنگش پرید و سریع تلفن را قطع کرد. همه فهمیدند که این افراد توان پاسخگویی ندارند.

البته قطع کردن تلفن بهتر شد، زیرا ممکن بود «فاطمه» جایی گیر کند یا جلد و صفحه را اشتباه بگوید. گرچه الحمدلله ایشان همه مطالب را درست گفت.

ما فایل این مطالب را در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» گذاشتیم و اگر شما عبارت "در پنج دقیقه" را در سایت سرچ کنید این فایل را مشاهده خواهید کرد. «غنچه‌های ولایت» این مطالب را همانند حمد و سوره یاد گرفتند.

بنابراین ما امروزه می‌توانیم در فضای مجازی بهترین فرصت را به دست بیاوریم و برای نشر معارف اهل بیت تلاش کنیم. امروز ما موظف هستیم در این حوزه حداکثر کار را انجام بدهیم.

دستور عجیب امام حسن عسکری به شاگردان خویش!

به امام حسن عسکری (علیه السلام) عرضه می‌دارند: در شهر ما فردی است که علیه قرآن کریم تبلیغ می‌کند. حضرت فرمودند:

«أَمَا فَيْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ»

در میان شما یک جوانمرد نیست که جواب شبهات او را بدهد؟

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ۴، ص ۴۲۴، باب

إمامة أبی محمد الحسن بن علی العسکری ع

شاگردان حضرت عرضه می‌دارند که او عالم هست و ما توانایی مقابله با او را نداریم. حضرت می‌فرماید: اگر من کلاس روش پاسخگویی به شبهات او را تشکیل بدهم، حاضرید شاگردی کنید؟ شاگردان حضرت عرضه می‌دارند:

سمعا و طاعة!

امام حسن عسکری برای اصحاب خود کلاس پاسخگویی به شبهات برگزار می‌کنند. شاگردان امام حسن عسکری نزد «اسحاق کندی» می‌روند و حرف‌هایی که از حضرت فراگرفته بودند را مطرح می‌کنند و او را مبهوت می‌کنند.

بازهم در روایت آمده است که تعدادی از اصحاب نزد امام حسن عسکری می‌آیند و عرضه می‌دارند:

«يا ابنِ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لَنَا جَاراً مِنَ النَّصَابِ يُؤْذِينَا وَ يَحْتَجُّ عَلَيْنَا فِي تَفْضِيلِ الْأَوَّلِ وَ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ يوردُ عَلَيْنَا حُجْجاً لَا نَدْرِي كَيْفَ الْجَوَابِ عَنْهَا وَ الْخُرُوجِ مِنْهَا»

یابن رسول الله در همسایگی ما فردی ناصبی است که ما را اذیت می‌کند و دلائلی بر فضیلت ابوبکر و عمر و عثمان بر امیرالمؤمنین می‌آورد که بلد نیستیم جواب او را بدهیم و بر او پیروز شویم.

«مَرَّ بِهِؤَلَاءِ إِذَا كَانُوا مُجْتَمِعِينَ يَتَكَلَّمُونَ فَتَسْتَمِعُ عَلَيْهِمْ فَيَسْتَدْعُونَ مِنْكَ الْكَلَامَ فَتَكَلَّمُ وَ أَفْجَمُ صَاحِبِهِمْ وَ اكْسِرْ عِزَّهُ وَ فُلَّ حَدَّهُ»

بلند شو و با آنها برو و با آن فرد بحث کن طوری که خفه شود. عزتش را بشکن و شمشیری که علیه شیعه از رو بسته را تکه تکه کن.

«وَ لَا تُبْقِ لَهُ بَاقِيَةً»

و برای او چیزی باقی مگذار.

فَذَهَبَ الرَّجُلُ وَ حَضَرَ الْمَوْضِعَ وَ حَضَرُوا وَ كَلَّمَ الرَّجُلَ فَأَفْحَمَهُ وَ صَبْرَهُ لَا يَذِرِي فِي السَّمَاءِ هُوَ أَوْ فِي الْأَرْضِ

«

شاگرد امام حسن عسکری رفت و آنچنان با دشمن اهل بیت سخن گفت و او به طوری گیج شده بود که نمی‌فهمید در آسمان است یا در زمین است.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۹، فصل فی ذکر طرف مما أمر الله فی کتابه من الحجاج و الجدل بالتی هی أحسن و فضل أهله

ما امروزه باید چنین نیروهایی تربیت کنیم. امام صادق در مورد «هشام بن حکم» می‌فرمایند: این نوجوان آنچنان با مرد شامی مناظره کرد که فرصت فروبردن آب دهان را از او گرفت. حضرت خطاب به «هشام بن حکم» می‌فرماید:

«مِثْلُكَ فَلْيَكَلِّمِ النَّاسَ فَاتَّقِ الزَّلَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

مانند تویی باید با مردم بحث کند. از لغزش بپرهیز که شفاعت ما پشت سر توست.

حضرت از میان تمام شخصیت‌های علمی نظیر «زراره»، «أبان بن تغلب»، «حمران بن أعین»، «ابو جعفر أحول»، تنها «هشام» را کنار خود می‌نشانند و به او می‌فرمایند:

«نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

هشام با قلب و زبان و دستش یاور و یاری‌گر ماست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۱۷۱، ج ۴

ببینید چقدر ارزشمند است! بنده بارها می گویم که اگر شما تمام ثروت و مقامات دنیا را در یک کفه بگذارید و این جمله امام صادق را در یک کفه بگذارید، والله این جمله سنگین تر است. امام و حجت الهی به یکی از شاگردان خود می فرمایند:

«نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

ما امروز احتیاج به افرادی نظیر «هشام بن حکم» داریم.

اضلاع دیگر مثلث مقدس!

بنابراین یک ضلع این مثلث مقدس، «تبیین» است؛ یک ضلع آن «دفاع» است و یک ضلع آن «روشنگری و هجمه» است.

ما وقتی مبانی اعتقادی شیعه نظیر آیه ولایت را مطرح می کنیم، باید در ضلع دوم، شبهاتی که در این زمینه وارد شده است را مطرح کنیم. در ضلع سوم به روشنگری بپردازیم.

اگر ما صد دلیل برای امامت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داریم، طرف مقابل هم پنجاه دلیل برای خلافت ابوبکر دارند. مادامی که ما آن را باطل نکنیم، کار به جایی نمی بریم.

به عنوان مثال یک سنی با شما بحث می کند و می گوید: حرف شما درست است و حرف ما هم درست است. علی بن ابی طالب هم خلیفه است و ابوبکر هم خلیفه است. علی بن ابی طالب خلیفه چهارم و ابوبکر خلیفه اول باشد.

چه اشکالی دارد!؟

زمانی که ما خلافت امیرالمؤمنین را اثبات می‌کنیم، باید به صورت علمی اثبات کنیم؛ نه با توهین و اهانت. ما باید دلیل طرف مقابل را بشنویم و آن را به صورت علمی حل کنیم.

قهرمان علم کلام اهل سنت!

«قاضی عبدالجبار معتزلی» متوفای ۴۱۵ هجری کتابی به نام «المغنی فی الإمامة» دارد. قوی‌ترین آخوند اهل سنت در طول چهارده قرن «قاضی عبدالجبار» است. امروز وهابیت و سنی‌های تندرو کنار سفره «قاضی عبدالجبار» نشسته‌اند.

«تفتازانی» حرف‌های خود را از او گرفته است، «عضدالدین ایچی» حرف‌های خود را از او گرفته است، «سید جرجانی» حرف‌های خود را از او گرفته است، «فضل بن روزبهان» حرف‌های خود را از او گرفته است، «دهلوی» حرف‌های خود را از او گرفته است. در یک کلمه، امروز وهابیت حرف‌های خود را از او گرفتند.

«مرحوم سید مرتضی» در جواب او، کتابی به نام «الشافی فی الإمامة» نوشت و «مرحوم شیخ طوسی» تلخیصی بر کتاب «الشافی فی الإمامة» نوشت. او بعضی از مطالب طولانی را مختصر کرد و بعضی از قسمت‌ها را تفصیل داد. ایشان تمام ادله‌ای که آنها برای خلافت ابوبکر و عمر و عثمان آورده بودند را، نقد علمی کرد.

قهرمان پاسخگوئی به شبهات اهل سنت!

«مرحوم علامه حلی» کتابی به نام «ألفین» دارد که در نرم افزارهای اسلامی موجود است. «فخر المحققین» پسر «علامه حلی» صاحب کتاب «إيضاح الفوائد» مطلبی در مورد این کتاب آورده است.

«علامه حلی» یکی از فحول شیعه است. شاید اگر ما بگوییم که ایشان یکی از فقها و متکلمین بی نظیر شیعه در این چهارده قرن است، حرف گزافی نگفته‌ایم.

خدمتی که این مرد به تشیع کرده است، شاید کمتر کسی چنین خدمتی کرده باشد. البته زحمات «شیخ مفید» و «سید مرتضی» و «شیخ صدوق» و بزرگان همه محفوظ است.

«فخر المحققین» نقل می‌کند که: من پدرم را در خواب دیدم و به او گفتم: پدر! کدام یک از کتاب‌هایی که در فقه و اصول و تفسیر و دیگر علوم نوشته بودی، در عالم برزخ خواهان زیادی داشت و باعث نجات تو شد؟

پدرم گفت: پسرم! از میان کتب فقهی، اصولی، رجالی و تفسیری هیچ‌کدام را کسی نپسندید. تنها کتابی که آبروی من را خرید، کتاب «ألفین» بود.

«ألفین» به معنای دو هزار است. «علامه حلی» هزار دلیل برای اثبات خلافت امیرالمؤمنین و هزار دلیل هم برای بطلان دیگران آورده است. مرد به این می‌گویند!! ایشان بر شبهات مخالفین هجمه کرده و هزار دلیل آورده است.

لذا ما باید در کنار تبیین و دفاع، حمله و هجمه و روشنگری هم داشته باشیم. اگر این کار اتفاق نیفتد، قطعاً مثلث ما ناقص است.

من به دوستان توصیه می‌کنم اگر دوستان می‌خواهند کار کنند، مثلث مقدس تبیین و دفاع و هجمه یا روشنگری را حتماً رعایت کنند. اگر دوستان سؤالی دارند من در خدمتشان هستم.

پرسش:

ما در گفتگوئی که با اهل سنت داشتیم، روایتی از کتب «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» برایشان گفتیم، اما آنها در سیستم می‌زدند و ادعا می‌کردند که اصلاً چنین روایتی در کتب «بخاری» و «مسلم» وجود ندارد. آن‌ها به راحتی روایاتی که در کتب خودشان هست را منکر می‌شوند.

پاسخ: (بهترین روش در ارائه منابع اهل سنت به مخالفین)

روش ما در پاسخگوئی به شبهات، این است که هر حرفی می‌زنیم، جلد و تصویر کتاب را روی آنتن نشان می‌دهیم. به عنوان مثال ما در رابطه با ولایت، آیات اکمال، ولایت و ابلاغ را آوردیم و می‌گوییم: در رابطه با آیه ولایت؛

(إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

در مصادر معتبر اهل سنت وارد شده است. «ابن ابی حاتم» در کتاب «تفسیر» خود روایتی در این زمینه نقل کرده است. ما جلد و صفحه کتاب را به او نشان می‌دهیم و او دیگر نمی‌تواند آن را انکار کند.

پرسش:

آن‌ها می‌گویند که برداشت شما از روایت این است.

پاسخ:

مشاهده کنید در کتاب «تفسیر ابن ابی حاتم» جلد چهارم صفحه ۱۱۶۲ وارد شده است:

«(إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا) قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»

تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم، المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر

التمیمی، الحنظلی، الرازی ابن ابی حاتم (المتوفی: ۳۲۷ هـ)، المحقق: أسعد محمد الطیب، الناشر: مكتبة

نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۹ هـ، ج ۴، ص ۱۱۶۲، ح ۶۵۴۹

این را که ما ننوشتیم. این کتاب در اینترنت موجود است و آقایان خیلی راحت می‌توانند از سایت‌های خودشان

کتاب را آپلود کنند.

یا به عنوان مثال در کتاب «تفسیر طبری» که «ابن تیمیه» هم معتقد است «تفسیر طبری» مورد قبول است، وارد شده است:

«إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا، قال: علي بن أبي طالب»

جامع البيان في تأويل القرآن، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، (٢٢٤ - ٣١٠ هـ)، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م،

ج ١٠، ص ٤٢٦، ح ١٢٢١٣

و در حدیث بعدی دارد که:

«إنما وليكم الله ورسوله، الآية، قال: نزلت في علي بن أبي طالب، تصدق وهو راع»

جامع البيان في تأويل القرآن، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، (٢٢٤ - ٣١٠ هـ)، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م،

ج ١٠، ص ٤٢٦، ح ١٢٢١٤

با این روش دیگر چکار می‌توانند بکنند؟ همچنین نسخه‌هایی از این کتاب که در عربستان سعودی یا «دارالفکر» بیروت به چاپ رسیده است هم همین مطلب را دارند.

روایتی که مخالفین مکتب تشیع را در چاله ای عمیق می‌اندازد!

ما در بزنگاه‌ها و جاهایی که خیلی حساس است، نسخه‌هایی از این کتاب را آوردیم که کمرشان را می‌شکنند. این روایات آنها را در چاله می‌اندازد، به طوری که نمی‌توانند از آن بیرون بیایند و نه راه پس دارند و نه راه پیش!

حال عبارتی که «آلوسی» دارد را مشاهده کنید. «آلوسی» در حقیقت سلفی مذهب است و در کتاب خود هم، به شیعه فحش‌های رکیکی نثار کرده است.

او علمای شیعه را سگ و خوک خطاب کرده و چنین نیست که با شیعه بده بستان داشته باشد. او در کتاب «روح المعانی» جلد ۳ صفحه ۳۵۲ می‌نویسد:

«إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ أَى صَلَاةَ الشُّهُودِ وَالْحُضُورِ الذَّاتِي وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ أَى زَكَاةَ وَجُودِهِمْ وَهُمْ رَاكِعُونَ) أَى خَاضِعُونَ فِي الْبَقَاءِ بِاللَّهِ. وَالآيَةُ عِنْدَ مَعْظَمِ الْمُحَدِّثِينَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ كَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۶، ص ۱۸۶، باب سورة المائدة (۵): الآيات ۵۹ إلى ۶۶

امروزه بهترین راه، استفاده از کامپیوتر است که همه چیز را حل کرده است. اگر ادعاهای دیگری داشت، شما «تفسیر آلوسی» را از اینترنت دانلود می‌کنید و جلد پنجم را باز می‌کنید. این کتاب دیگر از کتب اهل سنت است.

به عنوان مثال ما این روایت را در صفحه ۱۸۶ باز می‌کنیم. در صفحه ۱۸۶ همان عبارتی که آورده بودیم، به طور مفصل نقل شده است و احتیاج نیست که ما اینقدر بحث و تفصیل بدهیم. خدمتی که امروز کامپیوتر و اینترنت در بحث‌ها و مناظرات به ما می‌کند، هیچ چیز دیگری انجام نداده است.

ما دیشب با این آقای «عابدینی» مناظره داشتیم و او می‌گفت: شما کامپیوتر و اینترنت در اختیار دارید و همین به شما کمک می‌کند. من در جواب گفتم: شما هم کامپیوتر می‌آوردید. من که نگفتم کامپیوتر نیاورید!

پرسش:

با توجه به اینکه شهر ما شیعه و معتقد هستند. وقتی کسی کلامی را از زبان یک سنی یا وهابی می‌شنوند، اگر هم نتوانند جواب بدهند از یک عالم شیعه می‌پرسند.

شخصی که دیشب شما با او مناظره داشتید در لباس روحانیت است و خودش را معتقد به شیعه می‌داند، در حالی که کلمات هزار و چهارصد سال پیش مخالفین را می‌زند. احساس می‌کنم اثر حرف‌های او در تخریب جوانان و مدافعین اهل بیت بیشتر است.

پاسخ: (برخی ادعاهای ضد شیعی آقای عابدینی، استاد حوزه علمیه!!)

قطعاً همین است. از زمان رضاخان این هجمه‌ها از داخل شیعه بر شیعه شروع شده است و «اول قارورة کسرت فی الإسلام» نیستند که عمدتاً هم از خارج سرچشمه گرفته است.

این شخص همان حرف‌هایی را می‌زند که وهابی‌های تکامل یافته و سنی نما می‌زنند. «شریعت سنگلجی» یکی از علمای بزرگ تهران بود. او به عربستان رفت و زمانی که برگشت همان حرف‌هایی را می‌زد که آقای «عابدینی» و دیگران می‌زنند. آن‌ها ادعا می‌کنند ائمه اطهار (علیهم السلام) ولایت سیاسی نداشتند و امامتشان معنوی بود.

بعد از او «کسروی» و افرادی همانند «سید ابوالفضل برقی» و «قلمداران» به میدان آمدند. این افراد کاسه لیس دشمنان و مخالفان اهل بیت هستند. البته الآن فرصت نیست که من بخواهم این مباحث را مطرح کنم، اما این قضایا ابتدا از خارج شروع شد.

به عنوان مثال کتاب «قرآن بسندگی» و امثال آن مثل «علی عبدالرزاق» که یکی از علمای بزرگ مصر در دانشگاه الأزهر بود. او کتابی به نام «اسلام و اصول الحکم» نوشت؛ این قضیه برای بیش از صد سال قبل است.

«علی عبدالرزاق» در این کتابش همین حرف‌هایی که آقای «عابدینی» می‌زند را آورد. ولی غیرت دانشگاه الأزهر را مشاهده کنید و غیرت حوزه‌های علمیه را هم مشاهده کنید. دانشگاهیان، این آقا را از دانشگاه الأزهر اخراج کردند و کرسی تدریس او را هم از او گرفتند. همچنین مدرک ارشد او را باطل کردند، خانه سازمانی او را گرفتند و او را از ائمه جماعات برکنار کردند. تمام این اقدامات به خاطر نوشتن کتاب «اسلام و اصول الحکم» بود.

او در این کتاب ادعا کرد که پیغمبر اکرم از طرف خداوند مسئول حکومت نبود. حکومت پیغمبر اکرم خدایی نبود، بلکه انتخابی بوده است. او از ابتدا تا انتهای کتاب همین حرف را مطرح می‌کند که مشروعیت سیاست و حاکمیت سیاسی پیغمبر اکرم از ناحیه مردم است، نه از ناحیه خداوند متعال!

از طرف دیگر «شیخ مهدی حائری» پسر مؤسس حوزه علمیه قم، اوایل انقلاب در آمریکا بود و چند ماهی در زمان امام خمینی سفیر ایران شد. او سپس همان حرف‌هایی که «علی عبدالرزاق» زده بود را در کتاب «حکمت و حکومت» تکرار کرد. بعد از او «مهدی بازرگان» همین مطالب را تکرار کرد. این افراد همینطور این مطالب را مطرح می‌کنند.

این آقای «عابدینی» حرف‌هایی می‌زند که الحق و الانصاف و هابیت هم چنین حرف‌هایی را نمی‌زنند. به عنوان نمونه من دیشب هم یکی از حرف‌های او را بیان کردم، اما او هیچ جوابی برای گفتن نداشت. او بعد از اینکه دید ما تمام صفحات جزوه او را اسکن کردیم و به مردم نشان می‌دهیم، عصبی شده بود و اصلاً باور نمی‌کرد این کار را کرده باشیم. ما تمام صفحات جزوه‌ای که خودش به ما داده بود را اسکن کردیم.

من گفتم: شما ادعا می‌کنید: "به نظر می‌رسد که این آیه مربوط به روز عرفه و بعد از او هست." ایشان ادعا می‌کند که من حرف جدید می‌زنم.

من گفتم: آقای «عابدینی»! هزار و چهارصد و سی سال قبل «عمر بن الخطاب» ادعا کرده است که آیه اکمال در روز عرفه نازل شده است. شما حرف جدیدی نیاوردید!!

من گفتم: شما همان حرفی که عمر بن خطاب در هزار و چهارصد و سی سال قبل مطرح کرد را تکرار می‌کنید. او با شنیدن این حرف‌ها عصبی شده بود. او سپس حرفی زد که من از گفتن آن در حضور خواهران جلسه خجالت می‌کشم. حرف او خیلی وقیح بود.

او که جوابی برای گفتن نداشت، داستان بسیار زشتی مطرح کرد که من واقعاً از گفتن آن خجالت می‌کشم. به دلیل اینکه مناظره به صورت زنده پخش می‌شد، من نمی‌دانستم او چه حرفی می‌خواهد بزند. اگر می‌دانستم کنترل می‌کردم تا پخش نشود.

افراد زیادی در ترکیه، هند، آلمان و ایران این مناظره را به صورت مستقیم می‌دیدند. من واقعاً از این حرف او خجالت کشیدم و دلم به حالش سوخت!!

او همچنین ادعا می‌کند که آیه اکمال از «ابوهریره» است. سپس می‌گوید: "ما یک روایت صحیح درباره نزول آیه اکمال از ائمه اطهار نداریم."

ما از ایشان سؤال کردیم و گفتیم: آقای «عابدینی»! شما ادعا می‌کنید که ما یک روایت صحیح نداریم، در حالی که نزدیک به پنجاه روایت در این زمینه داریم که بخش اعظمی از آنها صحیح است. بنده یک نمونه از این روایات را برای او آوردم.

ما تمامی این روایات را با ذکر جلد و صفحه آماده کرده بودیم و گفتیم: در کتاب «تفسیر قمی» که به فتوای آیت الله خوئی و دیگران، تمام روایات آن صحیح است، وارد شده است که آیه اکمال در غدیر خم در حق علی بن ابی طالب نازل شده است.

من بررسی سندی این روایت را به او نشان دادم و گفتم: راوی اول سند، «علی بن ابراهیم» است که «نجاشی» او را ثقه می‌خواند. راوی دوم «ابراهیم بن هاشم» است که آیت الله خوئی او را ثقه می‌خواند.

راوی بعد «علاء» است که «نجاشی» او را ثقه می‌خواند. راوی چهارم «محمد بن مسلم» است که «نجاشی» و دیگران او را ثقه خطاب می‌کند.

ما این مطالب را بیان کردیم تا او نتواند بحث سندی این روایت را مطرح کند و ادعا کند که سند روایت ضعیف است. در حقیقت تمام پیش بینی‌ها را در این بحث‌ها انجام می‌دهیم.

حال به خاطر اینکه او ادعا نکند که از کجا معلوم «نجاشی» در مورد او این حرف‌ها را زده باشد، می‌گوییم که در کتاب «رجال» اثر «نجاشی» در فلان صفحه این مطلب بیان شده است. ما باید این چنین مجهز باشیم. همانطور که امام صادق می‌فرماید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ»

عالم آتش به اختیار به همین معناست. اگر قرار باشد دست روی ماشه بگذاریم، باید چنان باشیم که قبلاً فکر کنیم شاید طرف مقابل چنین ادعا یا چنان ادعایی مطرح کند.

ما حوزویان در اصطلاحی می‌گوییم: "دفع دخل مقدر"، به این معنا که احتمال بدهیم طرف مقابل چه اشکالاتی مطرح می‌کند.

من تصور می‌کردم این شخص قدری باسواد است و حداقل کتب «ابوالفضل برقی»، «قلمداران» یا «شریعت سنگلجی» را خوانده است. ما خودمان را آماده کرده بودیم که شبهات آنها را مطرح کنیم، اما دیدیم چنین نیست.

من احساس کردم آمدن من به اصفهان اصلاً بی دلیل بوده است. بنده خیلی رُک بگویم اگر ما شاگردان رتبه سوم یا چهارم خود را هم می‌فرستادیم، خیلی بیشتر از سطح آقای «عابدینی» بودند.

هرچه ما از ایشان سؤال کردیم، اصلاً جوابی به ما نداد و گفت که من اشتباه کردم. من گفتم که شما در فلان کتاب حرفی مطرح کردید مبنی بر اینکه امام صادق (علیه السلام) آیه ولایت را نیاورده است، چه خیانتی است!؟

من کتاب او را آوردم و گفتم: شما نوشتید «فی کتاب کمال الدین عن أمير المؤمنين فأُشِدُّكم اللهُ أتعلمون حيث نزلت: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) و حيث نزلت: (لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ)». آیه ولایت در اینجا بوده که او حذف کرده است.

او سپس می‌نویسد: این روایت ربطی به آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) ندارد و از آیه نیز ذکری به میان نیاورده است.

من گفتم: تصحیف و حذف چه معنایی دارد؟ در کتاب «کمال الدین» که شما آن را نقل کردید، وارد شده است:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ حَيْثُ نَزَلَتْ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ وَ حَيْثُ نَزَلَتْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَجْزِيَ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص

این آقا در کتاب خود آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) را حذف کرده و می‌گوید: امام صادق که نفرموده آیه اکمال در مورد علی بن ابی طالب است!! من گفتم: وهابی‌ها هم همین کار را می‌کنند. او سپس ادعا کرد که تایپیست این آیه را حذف کرده است!!

آیا تایپیست چطور باید می‌فهمید که شما می‌خواهید این آیه را تغییر بدهید که از این دو صفحه روایت تنها این آیه را حذف کند؟! تایپیست شما خیلی زیرک و ماهر بوده است! باید همانطور که امام حسن عسکری می‌فرماید:

«وَأَفْجِمُ صَاحِبَهُمْ وَ أَكْسِرُ عِزَّهُ وَ فُلَّ حَدَّهُ وَ لَا تُبْقِ لَهُ بَاقِيَةً»

با این افراد برخورد کنیم. او بعد از این بحث‌ها اعصابش بهم ریخت و تا آخر هم اعصابش خورد بود.

او مطالبی را از کتاب «نور الثقلین» آورده است. من در جواب گفتم: هیچ انسان عاقلی چنین کاری نمی‌کند. شما خودتان در کتب خود گفتید: غیر از کتب اربعه هیچ کتابی مورد قبول نیست، زیرا معلوم نیست نویسندگان آنها چه کسانی بودند.

کتاب «نور الثقلین» متعلق به قرن دهم و یازدهم است، در حالی که کتاب «کمال الدین» متعلق به قرن سوم و چهارم است و «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ هجری است.

برای یک محقق از نظر مسئله اخلاق نویسندگی و اخلاق تحقیقی، قانونی وجود دارد که مصادر دست سوم و چهارم را نباید بنویسند.

حتی علمای دیگر هم معتقدند که کتاب «وسائل الشیعه» را ملاک قرار ندهید. اگر کتاب «وسائل الشیعه» از کتاب «کافی» نقل کرده است، ببینید که این روایت در کتاب «کافی» به چه صورت است. حال شما از کتاب «نور الثقلین» که بعد از ششصد یا هفتصد سال پس از «کمال الدین» نوشته شده است، مطلب نقل می‌کنید.

امروز تمامی این کتب در اینترنت موجود است. این افراد یک سری بهانه‌هایی می‌آورند، نظیر اینکه: "من از این کتاب آوردم"، "این کار تاپیست بوده است"، "بنده در این مورد اشتباه کردم"! این در حالی است که شما ادعا می‌کنید من مجتهد هستم!!

من قطع پیدا کردم که اصلاً ایشان نه تنها اجتهاد بلد نیست، بلکه اصلاً از الفبای فقهت هم بی‌خبر است. او استدلال‌هایی می‌کرد که والله استدلال‌های شیطان در برابر مناظره با خدا از ایشان قوی‌تر بود. شیطان به خداوند عرضه می‌دارد:

(أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)

من از او بهترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک!

سوره اعراف (۷): آیه ۱۲

مشاهده کنید که شیطان در مناظره با خدا حرف محکمه پسندی می‌زند، زیرا اولین مناظره در عالم هستی میان خداوند متعال و شیطان است.

حال این شخص در یک جا ادعا می‌کند که اصلاً در مسئله نصب امام، که از طرف خداوند عالم منصوب باشد، علی بن ابی طالب منصوب نیست. او در این زمینه دلیلی هم ندارد.

می‌گوید: "بنی امیه مسئله منصوب بودن علی بن ابی طالب را مطرح کردند تا از این نمد کلاهی برای خودشان بسازند."

من به او گفتم: دلیل شما برای این ادعا چیست؟ این ادعا در حقیقت افترا به بنی امیه است. والله فردای قیامت بنی امیه از تو شکایت خواهند کرد، زیرا بنی امیه معتقد بودند که خودشان از پیغمبر اکرم بالاتر هستند.

من همه مدارک را در این زمینه برای او آوردم و گفتم که معاویه در اولین سخنرانی خود گفت:

«الأرض لله وأنا خليفة الله»

مروج الذهب؛ اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن الحسين بن علي المسعودي (المتوفى: ۳۴۶هـ) الوفاة:

۳۴۶، ج ۱، ص ۳۶۷

پیغمبر اکرم، همانند نامه رسان فرستاده خداست. او ادعا می‌کند که من جانشین و خلیفه خدا هستم. به عنوان مثال یک وزیر، قائم مقامی دارد. آیا مقام او بالاتر است یا مقام نامه رسان بالاتر است؟!

بنی امیه در این حد بودند و اصلاً پیغمبر اکرم را قبول نداشتند. آنوقت می‌خواهید بگویند که چون علی بن ابی طالب از طرف پیغمبر اکرم منصوب بوده است، ما هم منصوب هستیم؟!

او استدلال کرد و گفت: بنی امیه ساب النبی را می‌کشتند. من گفتم: ارتباط آسمان با ریسمان چیست؟ بنی امیه ساب النبی را می‌کشتند، بنابراین این افراد معتقد به ولایت علی بن ابی طالب بودند؟! کشتن ساب النبی چه ارتباطی به ولایت امیرالمؤمنین دارد؟

اگر کسی به پیغمبر اکرم فحش و ناسزا می‌داد، بنی امیه او را می‌کشتند. اصلاً بنی امیه به دنبال بهانه‌ای برای کشتن مسلمانان بودند. هرکسی علیه آنها حرف می‌زد، او را می‌کشتند.

در شرح حال «حجاج بن یوسف» نقل شده است که غیر از کسانی که در زندان کشت، نزدیک به صد و بیست هزار نفر را قتل عام کرد. این افراد به دنبال بهانه بودند تا مردم را بکشند. او ادعا می‌کند به دلیل اینکه ساب النبی را می‌کشتند، معتقد بودند که علی بن ابی طالب منصوب خداوند است!!

من که بیش از دو بیست جلسه مناظره با وهابی‌ها در خاک عربستان سعودی داشتم و همچنین چندین جلسه مناظره با صوفی‌ها و کمونیست‌ها داشتم، تا به حال ندیدم یک وهابی اینطور استدلال مسخره و بی مغز داشته باشد!!

این اجتهاد نیست، بلکه حرفی است که عمر بن خطاب می‌زد. ابوبکر می‌گفت:

«أقول فيها برأبي فان يكن صوابا فمن الله وإن يكن خطأ فمني ومن الشيطان والله ورسوله منه بريئان»

المعتمد في أصول الفقه؛ اسم المؤلف: محمد بن علي بن الطيب البصري أبو الحسين الوفاة: ٤٣٦، دار

النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤٠٣، الطبعة: الأولى، تحقيق: خليل الميس، ج ٢، ص ٣٨١

من گفتم: شما هم چنین کاری می‌کنید. حرفی که به ذهنتان می‌آید را می‌زنید. حال اگر حرفتان پذیرفته شد متعلق به خداوند است، اما اگر پذیرفته نشد متعلق به شیطان است.

او نسبت به حرف‌هایم عصبانی شده بود، اما من گفتم که غیر از این چیز دیگری نیست. استدلال‌هایی که ایشان در این دو جلسه آورده بود، همگی همینطور است.

حالا ان شاء الله ما فیلم این جلسات را فشرده می‌کنیم و خدمت آقای «شریفی» می‌دهیم. دوستان بعضی از روزها این فیلم را ببینند تا متوجه شوند که ایشان چه حرفی می‌زند و برای سؤالاتی که از او می‌پرسیم چه جوابی می‌دهند.

من نمی‌دانم آقایان روی چه اساسی به ایشان گواهی اجتهاد دادند. البته بعضی افرادی که به ایشان گواهی اجتهاد دادند، من به مراتب خود را از آنها اعلم می‌دانم!

کسی که گواهی اجتهاد می‌دهد، در درس او شرکت می‌کند و تقریراتی انجام می‌دهد تا متوجه شود که او اصلاً اجتهاد بلد است یا خیر. اجتهاد یا باید از کتاب باشد و یا از سنت باشد و یا اجماع باشد.

این افراد ادعا می‌کنند که ما نه با قرآن کار داریم، نه با سنت کار داریم و نه با اجماع کار داریم. این افراد ادعا می‌کنند ما می‌بینیم که امروز برداشت ما چیست و همان برداشت ما برای ما حجت است. این اجتهاد شیطنی است. امام صادق فرمود:

«مَنْ حَكَمَ فِي دِرْهَمَيْنِ بَغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ.»

کسی که با رأی خود اجتهاد کند، به خداوند کافر شده است.

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ ۳۲۹ ق؛ محقق / مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۷، ص ۴۰۸، ح ۲

پرسش:

در حوزه‌های علمیه طلاب را بعد از اتمام درس رها می‌کنند و به آنها می‌گویند که شما خودتان می‌دانید چطور تحلیل کنید و مسائل را انجام بدهید.

ما در بحث و مناظره در حوزه علمیه اصلاً چنین تفکری را نداریم که بخواهیم ببینیم اگر کسی حرف‌های غربی یا حرف‌های اهل سنت را در قالب یک شیعه زد، به او چطور پاسخ بدهیم.

پاسخ:

من کاری با این مسائل ندارم. ما یک جو غیرت علوی می‌خواهیم. اگر ما به اندازه یک سر سوزن غیرت علوی داشته باشیم، منتظر حوزه علمیه یا دانشگاه نمی‌مانیم.

آیا «علامه امینی» که کتاب «الغدیر» را نوشت، حوزه برای او برنامه ریزی کرد؟ آیا «میر حامد حسین» که کتاب «عبارات» را نوشت، حوزه علمیه برای او برنامه ریزی کرد؟ آیا «سید مرتضی» که کتاب «الشافی فی الإمامة» را نوشت، حوزه او را کمک کرد؟

شما باید خودتان زحمت بکشید، برنامه ریزی کنید، درس بخوانید و به شبهات و پاسخ شبهات اینچینی که از طرف وهابی ها یا امثال آقای عابدینی مطرح می شود بتوانید جواب بدهید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته